

درباره کتاب جنون کتاب؛

روایتی نفس گیر که در دنیای غریب و ثروتمند کتاب‌های نایاب می‌گذرد

جنون کتاب دربارهٔ وسوسهٔ نابکارانهٔ آدمی است که کتاب جمع می‌کند و نویسندهٔ آن وجوه جذابی از دنیای کتاب‌های نایاب، ذهنیت افراد تبهکار و محدودیت‌های کار روزنامه‌نگار برای ثبت وقایع را به ما می‌نماید.

به گزارش خبر، دکتر محمد رضا سعیدی، دانش آموخته تاریخ و مطالعات سیاسی و اسلامی، در یادداشت ارسالی به پایگاه خبری گزارش خبر با موضوع "روایتی نفس گیر که در دنیای غریب و ثروتمند کتاب‌های نایاب می‌گذرد" آورده است:

جنون کتاب نوعی بیماری روانی است. افراد مبتلا به این اختلال، دارای وسواس برای جمع آوری و نگهداری از کتاب دارند، حتی اگر علاقه مند به خواندن آنها نباشند. نوع دیگری از این اختلال که تحت عنوان بیبلیوکلپتومانیا یا Bibliokleptomania شناخته می‌شوند، تمایل به سرقت کتابها برای اضافه کردن به مجموعه خودشان را دارند.

افرادی که از بیبلیوکلپتومانیا رنج می‌برند، اغلب ترجیح می‌دهند کتاب‌هایی را از کتابخانه‌ها به سرقت برند که در کتاب فروشی‌های دیگر یافت نمی‌شوند و کمیاب هستند. در کتاب * جنون کتاب (The Man Who Loved Books Too Much)* به داستای واقعی یکی از همین مجانین بر می‌خوریم.

جان چارلز گیلکی که کارش از فرط عشق به کتاب به سرقت و بدنامی کشید! مردی عجیب و غریب که برخلاف اغلب سارقان دنیا، انگیزه‌اش نه پول و سرمایه، بلکه ادبیات و فلسفه بود! البته باید انصاف را رعایت کرد و اذعان داشت که کار اکثر آدم‌های عاشق کتاب، برخلاف سوژه‌ی داستان جنون کتاب، به سرقت و دزدی نمی‌کشد! (البته اگر کتاب قرض گرفتن و پس ندادن را دزدی محسوب نکنیم!)

باری، در کتاب حاضر شنونده‌ی قصه‌ای جذاب و مستند خواهید بود؛ روایتی پرکشش درباره‌ی مردی که با نقشه‌های نبوغ‌آمیز خود کتاب‌های نفیس و کمیاب را به غارت می‌برد و احتمالاً هنگام خواندن آن‌ها حسابتی به ریش صاحبانشان می‌خندید. آلیسون هورر بارلت (Allison Hoover Bartlett) در روایت این کتاب تمام تلاش خود را به کار گرفته تا نتیجه‌ی کارش ضمن وفاداری به واقعیت، هیجان‌انگیز و پرکشش از آب درآید. بنظر موفق عمل کرده است.

خلاصه کتاب جنون کتاب

آیا به کتاب‌هایتان عشق می‌ورزید؟ آیا بوی کاغذ کتاب برایتان خوش‌آیند است؟ آیا علاقه‌مند به جمع‌آوری کتاب‌های باارزش و قدیمی هستید؟ اگر پاسختان به این سؤالات مثبت است، خواندن «جنون کتاب» برایتان بسیار جذاب خواهد بود.

این کتاب جایزه‌ی بهترین روایت جرم در سال ۲۰۰۷ را از آن خود کرده و همچنین در مؤسسه‌ی فرهنگی «بارنس و نوبل»، صاحب بزرگ‌ترین زنجیره‌ی فروش کتاب در آمریکا، در بخش «کشف نویسندگان ممتاز» اثر برگزیده معرفی شده است.

داستان کتاب براساس واقعیت است و ما با سه شخصیت اصلی روبه‌رو هستیم که عبارتند از: شخصیت اول جان گیلکی دزد کتاب‌های ماجرای ما و شخصیت دوم کین سندرز، فرشنده‌ی کتاب‌های قدیمی و همچنین سرپرست بخش تحقیقات انجمن کتاب‌های نایاب آمریکا است.

شغل وی ایجاب می‌کند که اگر کتاب نفیسی دزدیده شد از طرف انجمن به وی اطلاع داده شود و از او بخواهند تا سارق و کتاب را پیدا کند. و شخصیت سوم که آلیسون هورر بارلت، خود نویسنده‌ی کتاب است که در این ماجراهای کاراگاهی وارد می‌شود.

جان گیلکی به هیچ عنوان به خاطر منفعت مالی یا انتقام یا حتی نفرت کتاب‌ها را نمی‌دزدد بلکه فقط و فقط به خاطر عشقی که به آن‌ها می‌ورزد، دست به چنین عملی می‌زند. ماجرا از جایی شروع می‌شود که جان گیلکی فهرستی از ۱۰۰ کتاب برتر کتابخانه‌ی مدرن تهیه می‌کند و درصدد جمع‌آوری اولین چاپ هر کدام از کتاب‌ها برمی‌آید و در این بین هر کتاب دیگری هم که بتواند می‌دزدد.

وی صدها هزار دلار کتاب کمیاب را به گونه‌های مختلفی همانند جعل کارت اعتباری دیگران از نمایشگاه‌های کتاب، کتاب‌فروشی‌ها و کتابخانه‌ها به سرقت برده است.

در همین حین کین سندرز برای دستگیری او تلاش می‌کند. نویسنده‌ی کتاب هم برای پرده‌برداری از این عمل با کاراگاه و سارق داستان ما دوست می‌شود و با آن‌ها مصاحبه می‌کند.